

نیمه تاریک ماه



۱

این کتاب مجموعه داستان‌های هوشنگ گلشیری را از سال ۱۳۳۹ تا ۱۳۷۷ دربرمی‌گیرد. کتاب مشتمل بر ۳۶ داستان کوتاه است. این مجموعه ابتدا قرار بود توسط خود نویسنده در زمان حیاتش به چاپ رسد اما با فرارسیدن زمان مرگ نویسنده، این اتفاق رخ نداد و به کوشش همسر گلشیری، فرزانه طاهری پس از مرگ وی گردآوری شده است. گلشیری این مجموعه را حاصل تمام زحماتش در حوزه داستان کوتاه می‌دانست.

جبهه‌خانه



۲

این کتاب دارای چهار داستان است که «جبهه‌خانه» بهترین داستان آن است. جبهه‌خانه واژه‌ای است قدیمی که به معنای اسلحه‌خانه استفاده می‌شده و حال به محل نگه‌داری وسایل عتیقه می‌گویند. گلشیری استاد نوشتن آثار با نثر خاص است. گلشیری با داستان‌های این کتاب قصد نشان دادن زندگی یک فرد ایرانی را دارد، که در مقابل تجدد و سنت مانده است. در داستان جبهه‌خانه شخصیت اصلی به خانه وارد می‌شود که حالت جنون آمیز و تسخیر شده را دارد.

آینه‌های دردار

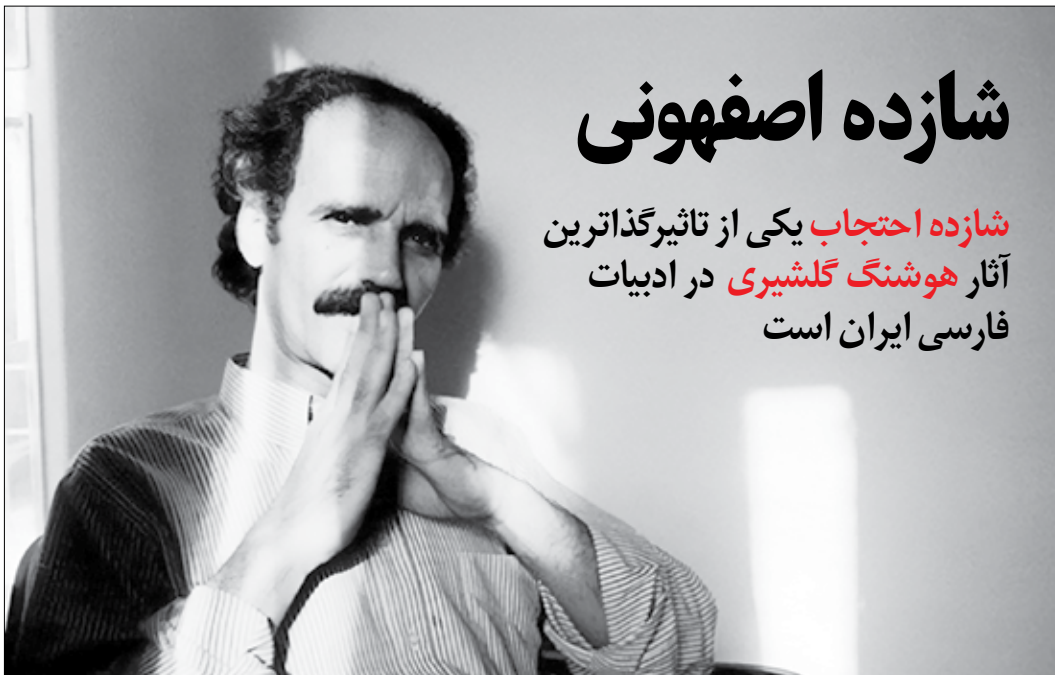


۳

داستان این رمان به نویسنده‌ای میانسال به نام ابراهیم می‌پردازد که به منظور شرکت در گردهمایی‌های ادبی ایرانیان، راهی سفری به اروپا می‌شود. ابراهیم در پایان یکی از جلسات به نوشته کوتاهی از کسی برمی‌خورد که ظاهراً او را می‌شناسد. این شخص از ابراهیم خواسته که در صورت سفر به پاریس با شماره داده شده تماس بگیرد، با گذشت زمان، یادداشت‌های دیگری از همین شخص به دست ابراهیم می‌رسد. اما این شخص چه کسی است؟

شازده اصفهونی

شازده احتجاب یکی از تاثیرگذارترین آثار هوشنگ گلشیری در ادبیات فارسی ایران است



حامد قصری

منتقد و مستندساز

«شازده احتجاب» نخستین بار در سال ۱۳۴۸ توسط انتشارات زمان منتشر شد و از همان زمان تا به امروز موضوع بحث و نقد بسیار است. از این رمان کوچک و کم‌حجم به‌عنوان یکی از مهم‌ترین و تاثیرگذارترین آثار داستانی فارسی یاد می‌شود و شاید مهم‌ترین اثر داستانی هوشنگ گلشیری. این داستان بلند، روایت فروپاشی نظام شاهی و پیشامردن در سنت فرهنگی ایران است. شخصیت اول رمان، که «شازده احتجاب» نامیده می‌شود، در اوام و گذشته، به روایت قسمتی از استبداد و بیداد خود و خانواده‌اش می‌پردازد.

چند موضوع در نوشتن «شازده احتجاب» به گلشیری کمک کرد: یکی ضدیت گلشیری در فضای سنت‌گرای اصفهان بود که این ضدیت از گلشیری یک شورشی زندان‌رفته در همان سنین جوانی ساخت. و دیگری هم جریان جنگ اصفهان.

هوشنگ گلشیری در اصفهان به دنیا آمد و در کودکی با خانواده به آبادان رفت. در سال ۱۳۳۸ تحصیل در رشته ادبیات فارسی را در دانشگاه اصفهان آغاز کرد. آشنایی با انجمن ادبی صائب در همین دوره نیز اتفاقی مهم در زندگی او بود. گلشیری کار ادبی را با جمع‌آوری فولکلور مناطق اصفهان در سال ۱۳۳۹ آغاز کرد. ادبیات بومی و فولکلور در ادبیات معاصر نقش مهمی را ایفا کرده و در مردم‌شناسی و قوم‌شناسی مورد استفاده قرار می‌گیرد. مردم اصفهان به زبان فارسی و با لهجه اصفهانی صحبت می‌کنند. قهوه‌خانه‌های ایران که در دوران صوفی رواج یافتند، در شهرهای اصفهان بودند. ادبیات بومی اصفهان هم از فضای قهوه‌خانه‌ای تاثیر گرفته است. برای درک اینکه ادبیات

بومی اصفهان چیست، می‌توان به درون‌مایه‌های قصه‌ها و افسانه‌های آن رجوع کرد. در اغلب قصه‌های اصفهان با توجه به محیط زندگی و عقاید مردمانش، رگه‌هایی از خشکی، زندگی، حاضر جوابی و... دیده می‌شود. گلشیری آثار خود را وامدار همین فضای عامیانه در اصفهان می‌داند.

البته گلشیری مدتی شعر می‌سرود. خیلی زود دریافت که در این زمینه استعدادی ندارد، بنابراین سرودن را کنار گذاشت و به نگارش داستان پرداخت. او پس از چندی همراه شماری از نویسندگان نواندیش مانند ابوالحسن نجفی و محمد حقوقی، «جنگ اصفهان» را پایه گذارد.

ریشه شازده به دوران قاجار و حاکم مستبد اما عکاس و نویسنده اصفهان، ظل‌السلطان بازمی‌گردد. یکی از جهانگردان اروپایی در آن زمان نوشته است: «متأسفانه ظل‌السلطان از خیابان خوش‌منظره و فرح‌آور چهارباغ مانند سایر آثار باستانی چیزی باقی نگذاشته، جدول‌های سنگی را پرکرده و حواشی آنها را فروخته و نقاشی‌های اتاق‌ها و دیوارها را هم محو کرده است. جای قصرها و عمارت‌های خالی صفوی را هم با ایجاد مزارع گرمک و خیار اشغال کرده است.» سلطان مسعودمیرزا ملقب به ظل‌السلطان، شاهزاده قاجار و بزرگ‌ترین پسر به سن بلوغ رسیده ناصرالدین شاه بود. او حدود سی و چهارسال حاکم اصفهان بود. در رفتار و منش ظل‌السلطان تضادهای زیادی را شاهد هستیم؛ تا جایی در بخشی از تاریخ می‌خوانیم که به مشروطه‌خواهان هم کمک کرده است؛ چراکه پس از به قدرت رسیدن محمدعلی شاه، ظل‌السلطان با چند تن از فرزندان خود عازم اروپا شد. شاهزاده به امید حمایت مشروطه‌خواهان از او و برکناری محمدعلی شاه، کمک‌های اندکی هم به مشروطه‌خواهان می‌کرد. در روز به توپ بستن مجلس توسط کلنل

لیاخوف، خانه او (عمارت مسعودیه) در کنار میدان بهارستان، یکی از محل‌هایی بود که مشروطه‌خواهان در آن سنگر گرفته بودند و به سوی قزاقان تیراندازی می‌کردند، که با مغلوب شدن مشروطه‌خواهان، خانه او و خواهرش بانوعظمی مورد هجوم و غارت قزاقان لیاخوف و سربازان سیلاخوری قرار گرفت. حاکم اصفهان همواره مایل به داشتن نیروی نظامی شخصی بود. بنابراین در اصفهان فوج‌های نظامی با لباس و اسلحه ارتش اتریش تشکیل داد و برای تعلیم دادن آن‌ها از آلمان معلم‌های نظامی استخدام کرد. ناصرالدین شاه که از خودسری‌های ظل‌السلطان در اصفهان بیم داشت، او را شبانه از تمام حکومت‌های خود عزل کرد و تنها شهر اصفهان را برایش باقی گذاشت. ظل‌السلطان کتاب هم نوشته بود و «تاریخ سرگذشت مسعودی» کتابی به قلم اوست. این کتاب در مجموع دارای ۶ باب و ۲ ضمیمه یا موخره است و به تقریر مسعودمیرزا و به اصرار پسرش، اسماعیل میرزا معتمدالدوله به رشته تحریر درآمده است. این کتاب به نثری ساده و تا حدودی عامیانه نوشته شده است. منابعی که نویسنده بر اساس آنها کتاب را نوشته است، به سه دسته اصلی تقسیم می‌شود: بخشی از مطالب کتاب برگرفته از خاطرات شکارهای روزانه‌ی اوست که طبیعتاً از دیدگاه تاریخی بسیار باارزش بوده و سند محکمی از وضعیت حیات وحش در دوره تاریخی نگارش کتاب است. محققان محیط‌زیست و علاقه‌مندان شکار می‌توانند با اتکا به این کتاب، تصویری از محیط‌زیست و حیات وحش آن زمان به دست آورند؛ تصویری که شاید در کمتر سندی قابل دستیابی باشد. شایان ذکر است این کتاب همچنین نشان‌دهنده نوع رفتار سلاطین آن دوره با محیط‌زیست و حیات وحش نیز هست. پاره‌ای دیگر از مطالب کتاب نیز برگرفته از تاریخ‌های